

ادامه از صفحه اول

توسعه «بلوط» محور

اما واکنش‌های بعد از سخنرانی ایشان نشان داد که مجلس در خصوص دریافت «پیامی صادق» راضی نشده است. به عنوان نمونه؛ایشان به رشد نقدینگی در سال‌های ۸۹ و ۹۰ تنها به صورت درصدی اشاره کرد و از میزان گرفته است طفره رفت و از اینکه در همین ۹ ماهه سال ۹۱ نقدینگی، تاکنون نسبت به سال گذشته ۲۰/۴ درصد رشد داشته است به طوری که در پایان سال ۹۰ نقدینگی کشور ۳۵۲ هزار میلیارد تومان بود و طبق بیان رییس بانک مرکزی هم اکنون ۴۲۴هزارمیلیاردتومان است. در واقع در ۹ ماه ۲۷هزارمیلیاردتومان، یعنی روزانه ۲۶۶میلیاردتومان به نقدینگی کشور اضافه شده است. به زبان تحلیل؛ یعنی روزانه این مقدار به تقاضای کل کشور افزوده شده است در صورتی که هم واردات و هم تولید کشور به عنوان نمایانه‌های عرضه کل به دلیل محدودیت‌های جهانی و رنجور شدن تولید کشور رو به کاهش بوده‌اند. این شکاف بین تقاضا و عرضه کل به گفتهٔ نمایان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مسایل و مشکلات غیراقتصادی برای کشور در آینده‌ای نزدیک رقم می‌زند و انتظار این بود که رییس دولت برای رفع این نگرانی، کلامی و سخنی بگوید اما رویکرد تبلیغاتی و «ها بهترین» بودن دولت اجازه این اتخاذ را به وی نداد و او باز با آمار طوری برخورد کرد که گویی تمام رفتار و سلوک آنها مطابق کسب موفقیت‌های دولت بوده است. برخاستن به مشکلات صنعت، مسایل تولید، نگرانی‌های سرمایه‌گذاری؛ فقدان نقدینگی در بخش تولید و تجمع آن در بخش غیرمولد، سودآوری تجارت رانته پول، پایین آمدن سطح اشتغال و ایجاد اشتغال‌های تازه، تعطیلی کارخانه‌ها و بنگاه‌های مختلف اقتصادی، مشکلات ارتباط پولی با خارج از کشور و اختلال در تجارت خارجی کشور، تمام مواردی بود که از سخنان رییس دولت حذف شده بودند.بخش جذاب دیروز سخنان احمدی‌نژاد،بی‌شک اشعارماش به جنگل، دام و بلوط بود. از نظر او اگر در جنگل‌های کشور دماها بیابند و از بلوط‌های درختان تغذیه کنند اشتغالی در سطح ۲۰۰هزارفرز در کشور ایجاد خواهد شد و حتماً این مجلس است که تاکنون و من بعد جلوی این سطح اشتغال را می‌گیرد. اینکه مبنای محاسبه این اشتغال‌سازی چه است و ایشان از کجا به این آمار رسیده است و آیا تبدیل جنگل به مرغ کار درستی است یا نه؟ بماند. سوال اینجااست؛ چرا ایشان به سطح اشتغال در مهم‌ترین صنعت کشور نظر ندارد؟ چرا ایشان نگران «بلوط»‌های شمال و زاگرس است اما نگران نفت و گاز نیست که روزانه رقبای عرب‌مان به راحتی برداشت می‌کنند و بر سهم ایران یک آب خنک سر می‌کشند؟ برای ایشان برداشت دو برابری قطر نسبت به ایران از پارس جنوبی مهم نیست؟ ضرر روزانه میلیون‌ها دلار چرا در نظر ایشان نمی‌بینند؟ برداشت امارات از میدان نفتی سلمان؟ برداشت عربستان از نفت اسفندپار؟ توسعه آن سوی میدان نفتی آزادگان توسط عراق؟ و اینکه ما تقریباً ۱۰ سالی است می‌گوییم «فصد داریم روزانه ۳۰۰هزار بشکه نفت از آنجا برداشت کنیم» و از ۵۰هزار بشکه عبور نکردیم.سوال اینجااست که پاسخ ایشان برای کاهش تولیدنفت چیست؟ اگر طبق گفته خودشان ۶۶میلیارد دلار در این صنعت سرمایه‌گذاری شده است پس چرا به تولید نفت‌مان و نه گازمان و نه پتروشیمی‌مان افزایش نداشت‌ه‌است؟ در سال‌های گذشته با وجود ذخایر عظیم نفت و گاز (دومین دنیا) و اینکه سال‌هاست در حال مذاکره صادرات گاز به کشورهای همسایه هستیم اما طی همین چند سال، به یک واردکننده گاز بدل شدیم؟ اینجا مسایل استراتژیک کشور بودند که بی‌توجهی و رویکرد شعاری و بی‌اعتنایی به منتقدان، باعث تحریف شدن کشور در این حوزه شد. حوزه‌ای که اگر جدی گرفته می‌شد، این روزها در نزاع و رقابت‌های بین‌المللی بی‌تردید ایران دست پرتری داشت که این‌گونه‌نشد و رییس دولت برای اینها دیروز پاسخی نداشت چرا که او گویا این روزها نگران «بلوط»‌هاست و نفت و گاز و صنعت خودرو در اولویتش نیستند. توسعه بلوطی شاید مدل تازای بود که دیروز در مجلس ابداع شد. توسعه بلوط محور آنچه در گذشته کردیم را دور می‌زند و به آینده‌ای که در اختیار ما نیست نگاه می‌کند. آن هم نگاهی بر معنا.

اولویت «تورم» بر «ضرب جینی»

اول آنکه این عدد، متعلق به زمان حال نیست. و به دلیل آنکه این عدد براساس هزینه خنلور تعیین و محاسبه می‌شود و از طرف دیگر گزارش آن با تأخیر زمانی یک تا دو ساله منتشر می‌شود، این عدد بدون تأثیر از رشد تورم فعلی است و گویای شرایط کنونی نیست و اگر قرار بر محاسبه و تأثیر نرخ کنونی تورم باشد، حتماً اکنون اینن عدد بالاتر است و نابرابری بیشتری وجود دارد. اما آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد رشد نقدینگی، افزایش آن یا کاهش مصرف ارز و اعداد مشابه آنها نیست. مساله و درگیری اصلی این روزهای مردم، تورم و رشد آن است که طبق گزارش بانک مرکزی در آذرماه به ۲۷/۴درصد رسیده است. این افزایش را باید با ثبات درآمد و دستمزدها و کاهش تولید بررسی کرد که امروزه به یکی از دغدغه‌ها و مشکلات اصلی مردم تبدیل شده و کاملاً ملموس است و آنها را تحت فشار قرار داده است. در این سال‌ها اگر کاهش نقدینگی یا مصرف ارز به دلیل کاهش واردات ارز داشته‌ایم، رشد اقتصادی چشمگیری نیز نداشته‌ایم که این مساله تأسف‌بار است. رییس جمهوری به جای ابراز خوش‌حالی از کاهش ضرب جینی و رشد نقدینگی باید فکری به حال تورم و تولید کند. هر سال رشد اقتصادی ایران در حال تنزل است و این رقم، بعد قابل قبول و قابل دفاعی نیست.



ضیا مصباح دبیر کانون علوم اداری ایران

احمدی‌نژاد دیروز در مجلس با اشاره به اصل ۱۲۶ قانون اساسی گفت:«ریس جمهور مسوولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدای کشور را مستقیماً برعهده دارد و می‌تواند اداره آن را برعهده دیگری بگذارد.» برنامه استخدام یا به‌کارگیری نیروی انسانی گام پایانی «برنامه‌ریزی نیروی‌انسانی» است که در سازمان دولت چندان جدی گرفته نمی‌شود. هر سازمانی که از دولت بودجه می‌گیرد باید در برابر بخشی از بودجه که به جبران خدمت کارکنان اختصاص می‌یابد، پاسخگو باشد و همین‌جاست که نیاز به جدی‌گرفتن «نیازسنجی» است. نیازسنجی را نمی‌توان یکباره و در سطح کشور یا استان انجام داد، بلکه مستلزم بررسی وضع موجود و برآورد تقاضای آتی یکایک سازمان‌ها به نیروی انسانی است و پیداست که این گام فرآیندی طولانی و زمان‌بر خواهد بود. پس همین‌که دولت یکباره اعلام می‌کند که می‌خواهد در هراستان… نفر را استخدام کند، خود نشانگر شتابزدگی در

درنگ

انتظار داشتیم جزییات بیشتری بشنویم



احمد پورفلاح رییس اتاق بازرگانی ایران و ایالتیا

رییس جمهوری فقط در مجلس کلیات را گفت و به جزییات اشاره نکرد، اما توقع ما این بود که جزییات بیشتری از نحوه‌اجرای فاز دوم بدهند. انتظار داشتیم که رییس دولت در برابر پارلمان‌نشینان به جای پرداختن به صحبت‌های کلی وارد جزییات شود و از سازوکارهای در نظر گرفته شده برای اجرای فاز دوم صحبت کند. اما نکته قابل توجه در این میان صحبت از افزایش قیمت بنزین به بالای سه‌هزارتومان است. در چنین شرایطی حرف ما این است که آیا شرایط اقتصادی کشور، بنزین

با چنین قیمتی را برمی‌تابد یا اینکه توانایی تحمل آن را ندارد. البته در قانون هدفمندسازی یارانه‌ها قرار بود، قیمت بنزین ۵ درصد از فوب کشورهای خلیج‌فارس باشد، الان قیمت هر لیتر بنزین در این کشورها ۹۰۰ است است که می‌شود، ۲۸۰۰ تا ۲۹۰۰ تومان. حالا دولت اگر بخواهد طبق قانون قیمت بنزین داخلی را بر مبنای ۵۱ درصد از قیمت فوب خلیج‌فارس تعیین کند، هر لیتر بنزین باید ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان قیمت‌گذاری شود. اما در فاز اول با این شدن قیمت سوخت، تورم بالایی رخ داد که ضمن کاهش توان خرید مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان را نیز دچار دردرس کرد. با این وجود باید پرسید که آیا اقتصاد ایران می‌تواند، بنزین ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ تومانی را تحمل کند و با آن به حیات و رشد خود ادامه دهد؟

نگاه‌هفته

حکایت یارانه‌ای که سه‌برابر شد



هادی حوسیناس نماینده دور هفتم مجلس

ضرب جینی شاخصی برای بیان فاصله طبقاتی است. این شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد بین دهک‌های مختلف جامعه نیز به شمار می‌رود. هرچه این شاخص به عدد صفر نزدیک‌تر باشد، توزیع درآمد عادلانه‌تر بوده و هرچه به طرف عدد یک تمایل پیدا کند، گویای انباشت درآمد در دست دهک اول جامعه است و نشان از توزیع ناعادلانه درآمد جامعه دارد. کاهش ضرب جینی و حرکت به سوی توزیع عادلانه درآمد، زمانی درست است که منشا درآمد ناشی از کسب و کار باشد. استلال رییس جمهوری در خصوص کاهش ضرب جینی از ۴۰ درصد در سال ۸۹ به ۲۷ درصد در سال ۹۰ درست نیست چرا که این کاهش اگر چه روی داده اما در محل پرداخت یارانه‌ها شکل گرفته است، در واقع یارانه، پرداخت انتقالی است. یعنی دولت، به ازای پرداخت آن خدمتی دریافت نکرده است. بنابراین بهبود شاخص ضرب جینی از محل یارانه‌ها چندان ارزش نیست. مهم‌ترین اهداف قانون هدفمندی یارانه‌ها جلوگیری از اتلاف منابع انرژی و قاچاق سوخت و به کارگیری تکنولوژی جدید در بخش‌های تولیدی بود. در کنار این قرار شد، قدرت خرید مردم افزایش یابد. به همین دلیل برپشت یارانه نقدی در دستور کار قرار گرفت. حالا ضرب جینی ۰/۰۳ درصد بهبود یافته که به جای اینکه از محل تولید باشد، از محل تزریق پول با عنوان یارانه نقدی است.

خبر آنلاین: رییس جمهوری در سخنرانی خود در مجلس با اشاره به نکاتی دستاوردهای فاز نخست هدفمندی را، ستود محمود احمدی‌نژاد عنوان کرد: هدفمندی در زمانی آغاز شد که تورم سالانه ۱۰/۱ درصد و تورم نقطه‌ای ۱۲/۸ درصد بود و در دی‌ماه این دو به هم رسیدند، یعنی تورم نقطه‌ای و تورم سالانه ۰/۹ درصد شدند. البته تورم نقطه‌ای در مردماه به اوج خود رسید یعنی به ۲۲/۳درصد ولی در دی‌ماه به هم رسیدند. نکته قابل توجه آنکه یکسان شدن تورم نقطه‌ای و تورم دوره‌ای شاخص قابل استنادی در تحلیل‌های اقتصادی نیست، همانطور که در مناظرات سال ۸۸ نیز استناد به «تورم نقطه‌ای مورد اعتراض قرار گرفت.»
سوی دیگر رییس جمهوری اشاره نکرد در سال نخست هدفمندی به چه قیمتی تلاش شد قیمت‌ها و تورم مصرفی پایین نگذشته شود، موضوعاتی مانند قیمت‌گذاری دستوری، اجبار به تولید حتی در شرایط زیان و تنظیم بازار از طریق کالاهای مصرفی وارداتی از این قبیل تمهیدات سال ۹۰ و اولین سال اجرای قانون هدفمندی بود که در نهایت امروز شاهد نتایج آن هستیم یعنی رکود دامنگیر بخش‌های مختلف صنعت شده که صنایع کارآمد و ناکارآمد را باهم زمینگیر کرده است.

بهبود ضرب جینی؟

توزیع یارانه نقدی از سوی دولت به عنوان یکی از

اقتصادی

یادداشت

ابهام در پروژه استخدام انبوه

اتخاذ چنین تصمیماتی است که قطعاً پاسخگوی آن نخواهد بود. برای برخورد منطقی با یک چنین تصمیمی می‌توان پرسش‌های زیر را مطرح کرد:

۱- آیا مستندات مربوط به انجام مرحله نیازسنجی و برآورد تقاضای نیروی انسانی قابل ارایه است؟
۲- آیا اساساً نیاز استان‌ها می‌تواند یکسان باشد؟
۳- آیا اولویت استخدام در همه استان‌ها یکسان است و نمی‌توان یک فرآیند زمانی برای آن در نظر گرفت و ناگزیر باید استخدام یکجا و انبوه صورت گیرد؟
۴- به فرض آنکه برآوردهایی هم صورت گرفته باشند، آیا این برآوردها با برنامه میان‌مدت دولت (برنامه پنجم توسعه) همخوانی و هماهنگی دارد؟

۵- مرجع پاسخگویی به‌این پرسش‌ها کدام نهاد است، معاونت برنامه‌ریزی رییس‌جمهور؟ استاندار؟ یا توجه با ساختار دولت و لزوم پاسخگویی ساختارمند به یک چنین موضوعی آیا به یک سخنرانی از سوی هر مسوولی، مثلاً رییس جمهوری، می‌توان بسنده کرد؟ صرفنظر از دیدگاه برنامه‌ریزی نیروی‌انسانی که دیدگاهی مدیریتی است و مستقیماً به موضوع مربوط می‌شود، این

پروژه را می‌توان از دیدگاه‌های دیگری چون حقوقی، اقتصادی، سیاسی و راهبردی نیز نگریست؛ و لاجرم شیوه دفاع یا پاسخگویی در هر دیدگاه متفاوت خواهد بود که در زیر نگاهی گذرا بدان انداخته می‌شود:

۱- بعد مدیریت: همان دیدگاه برنامه‌ریزی نیروی‌انسانی است که به اجمال در بالا بدان پرداخته شد.
۲- از بعد حقوقی، استخدام و فراهم کردن زمینه اشتغال برای مردم در اصل بیست و هشتم قانون اساسی دیده شده است. دولت با برداشت درست از این اصل می‌یابد انگیزه‌های اقتصادی مردم را در زمینه‌های فعالیت گوناگون کشورزری، صنعتی و خدماتی زنده نگه دارد تا سرمایه‌گذاری و کارآفرینی به صورتی خودجوش در سطح جامعه جریان داشته باشد و خود به‌خود زمینه اشتغال برای بیشتر مردم فراهم شود. متأسفانه با کم‌توجهی به این اصل قانون اساسی، چه در این دولت و چه در دولت‌های پیشین، یکبارگی گسترده‌ای دامنگیر مردم شده‌هه همه کارچوبان چشم به استخدام دولتی دوخته‌اند. از دیدگاه حقوقی داشتن شغل حق است ولی استخدام در دولت لزوماً حق نیست.
۳- از بعد اقتصادی، نه تنها انگیزه‌های طبیعی مردم در فعالیت‌های اقتصادی نادیده گرفته شده، بلکه با اتخاذ

نظـرگاه

چشم بستن بر ناتوانی «تولید»



کامران ندردی استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)

بخش تولید هدایت شود، به دلیل دستوری بودن تعیین نرخ‌ها و قیمت‌ها، مردم برای دریافت نقدینگی در صف انتظار هستند تا سرمایه‌ایشان را در بخش‌هایی وارد کنند که سود بالایی دارد. در این آمارهای نشاط آوری که رییس دولت دیروز اعلام کرده و از آن به عنوان کاهش مصرف ارز نام برده، تحلیل چرایی این مساله است. با اجرای فاز اول قانون هدفمندی یارانه‌ها، درخواست ارزی بخش تولید به دلیل نداشتن نقدینگی کاهش یافت و تولید نیز دچار رکود افتاد. در مقابل آن تقاضای سفتهایران افزایش یافت. مساله‌ای که از چشم دولت دورمانده و از آن به عنوان موفقیت نام می‌برد، در حقیقت ناتوانی بخش تولید برای پرداخت یارانه‌های نقدی در دو سال و نیم‌اخیر توانسته ضرب‌جینی را کاهش دهد و آمار اعلامی رییس‌جمهور در مجلس درست به نظر می‌رسد. اما چندان نکته در این میان مهم و قابل توجه است. اول آنکه ضرب‌جینی در اواخر زمانی مشخصی تهیه و منتشر نمی‌شود و این کاهش را نمی‌توان میزان و مقیاسی برای شرایط کنونی جامعه و زندگی مردم دانست و به عنوان کاهش نابرابری از آن خشنود بود. نکته دوم و مهم‌تر، ماندگاری و حفظ این عدد است. در شرایطی که دولت توان کنترل تورم را نداشته باشد، می‌توان به این کاهش نابرابری امیدوار بود اما آمارهای اخیر حاکی از افزایش نرخ تورم است.

درپچه

گریزی به یارانه هدفمند در معدن

فاز دوم هدفمندسازی یارانه‌ها می‌شود که صنعت معدنکاری کشور در شرایط نسبتاً حادی است. با وجود اینکه دولت در فاز اول هدفمندسازی یارانه‌ها تمام توان خود را برای هماهنگی به کار گرفت و توانست شرایط خود را با قوانین جدید همگون سازد اما در چند ماه اخیر شوک ارزی به کل اقتصاد وارد شد و معدنکاری را نیز درگیر کرد. در چنین شرایطی قیمت‌ها و هزینه‌ها در بخش صنعت افزایش پیدا کرد و بر دامنه مشکلات این بخش‌های صنعتی افزوده شده و تا تاب و توان آن به شدت کاست.
باین حال که بخش معدنی کشور درگیر مشکلات ارزی و شوک ناشی از افزایش قیمت ارز است، توان اجرای فاز دوم هدفمندسازی وجود ندارد و در صورت اجرای آن احتمال زمینگیر شدن معدنکاری در کشور وجود دارد و افزایش قیمت‌ها هم قطعی خواهد بود. به نظر هم برای اجرای فاز دوم هدفمندسازی نباید عجله کرد و دولت باید اجرائی آن را به زمانی که اقتصاد کشور به شرایط ثبات برسد برگرداند. اجرای کف و دوم هدفمندی باید در شرایطی صورت بگیرد که اقتصاد در شرایط کم نوسان و قابل پیش‌بینی، روان باشد و تا آن زمان باید صبر کرد.

سیاست‌های نادرست این انگیزه‌ها نادیده گرفته شده است. واردات بی‌رویه بسیاری از کالاهای کشورزان و تولیدکنندگان را در تنگنا گذاشته و محصولات آنها روی دستشان یا در انبار مانده است. در سال‌های اخیر بیشتر کالاها، حتی میوه‌ها و سبزی‌های گوناگون، وارد می‌شود که هم جای شگفتی دارد و هم جای نگرانی. دست مردم از بیشتر زمینه‌های فعالیت اقتصادی کوتاه شده و به تصرف نهادهای دولتی در آمده است. آیا دولت می‌تواند همه این کاستی‌ها و کمبودها را با استخدام دولتی جبران کند؟ و اگر هم بتواند یک چنین دولتی با این دیوالسارلی سنگین می‌تواند دولتی بویا و کارآمد باشد؟ آیا نهادهای اقتصادی دولت می‌توانند از پاسخگویی در برابر این پروژه استخدای سر باز زده و بگویند که موضوع استخدام به ما مربوط نیست؟

۴- از بعد سیاسی، دفاع از یک چنین پروژه استخدای انبوهی، تنها در شرایط کنونی و با توسل به عناوینی چون «بهرورزی» می‌تواند صورت گیرد، اما مردم بیکار و جوانان جویای کار، استخدام دولتی را «حق» خود می‌دانند.
۵- و سرانجام از دیدگاه راهبردی، ایجاد یک چالش مالی بزرگ برای دولت، یا دولت بعدی، آن‌هم در شرایط خاص اقتصادی کنونی قابل دفاع نیست. آیا معاونت راهبردی رییس‌جمهوری آمادگی دفاع از آن را دارد؟

بخش تولید هدایت شود، به دلیل دستوری بودن تعیین نرخ‌ها و قیمت‌ها، مردم برای دریافت نقدینگی در صف انتظار هستند تا سرمایه‌ایشان را در بخش‌هایی وارد کنند که سود بالایی دارد. در این آمارهای نشاط آوری که رییس دولت دیروز اعلام کرده و از آن به عنوان کاهش مصرف ارز نام برده، تحلیل چرایی این مساله است. با اجرای فاز اول قانون هدفمندی یارانه‌ها، درخواست ارزی بخش تولید به دلیل نداشتن نقدینگی کاهش یافت و تولید نیز دچار رکود افتاد. در مقابل آن تقاضای سفتهایران افزایش یافت. مساله‌ای که از چشم دولت دورمانده و از آن به عنوان موفقیت نام می‌برد، در حقیقت ناتوانی بخش تولید برای پرداخت یارانه‌های نقدی در دو سال و نیم‌اخیر توانسته ضرب‌جینی را کاهش دهد و آمار اعلامی رییس‌جمهور در مجلس درست به نظر می‌رسد. اما چندان نکته در این میان مهم و قابل توجه است. اول آنکه ضرب‌جینی در اواخر زمانی مشخصی تهیه و منتشر نمی‌شود و این کاهش را نمی‌توان میزان و مقیاسی برای شرایط کنونی جامعه و زندگی مردم دانست و به عنوان کاهش نابرابری از آن خشنود بود. نکته دوم و مهم‌تر، ماندگاری و حفظ این عدد است. در شرایطی که دولت توان کنترل تورم را نداشته باشد، می‌توان به این کاهش نابرابری امیدوار بود اما آمارهای اخیر حاکی از افزایش نرخ تورم است.	
---	--

فاز دوم هدفمندسازی یارانه‌ها می‌شود که صنعت معدنکاری کشور در شرایط نسبتاً حادی است. با وجود اینکه دولت در فاز اول هدفمندسازی یارانه‌ها تمام توان خود را برای هماهنگی به کار گرفت و توانست شرایط خود را با قوانین جدید همگون سازد اما در چند ماه اخیر شوک ارزی به کل اقتصاد وارد شد و معدنکاری را نیز درگیر کرد. در چنین شرایطی قیمت‌ها و هزینه‌ها در بخش صنعت افزایش پیدا کرد و بر دامنه مشکلات این بخش‌های صنعتی افزوده شده و تا تاب و توان آن به شدت کاست. باین حال که بخش معدنی کشور درگیر مشکلات ارزی و شوک ناشی از افزایش قیمت ارز است، توان اجرای فاز دوم هدفمندسازی وجود ندارد و در صورت اجرای آن احتمال زمینگیر شدن معدنکاری در کشور وجود دارد و افزایش قیمت‌ها هم قطعی خواهد بود. به نظر هم برای اجرای فاز دوم هدفمندسازی نباید عجله کرد و دولت باید اجرائی آن را به زمانی که اقتصاد کشور به شرایط ثبات برسد برگرداند. اجرای کف و دوم هدفمندی باید در شرایطی صورت بگیرد که اقتصاد در شرایط کم نوسان و قابل پیش‌بینی، روان باشد و تا آن زمان باید صبر کرد.	
---	--

به افزایش شدید چکه‌های برگشتی مراجعه کنیم که بر نرخ بی‌سابقه ۱۲درصد رشد رسیده و از فروردین سال ۹۱ هم بانک مرکزی حاضر به انتشار آمار مربوط به آن نیست. البته این شاخص هم مانند بحث ضرب‌جینی پایدار نبوده و بین آذر سال ۹۰ و ۹۱ نقدینگی بارشد ۳۰درصد(۳۳۵هزارمیلیارد تومان به ۴۲۴هزارمیلیاردتومان رسیده است.

کسری بودجه

رییس‌جمهوری تلویحا در سخنان خود به کاهش هزینه‌های دولت اشاره کرد، موضوعی که بنابر آمارهای منتشره قابل نقد است، بنابه گفته مصباحی‌مقدم، رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس کسری بودجه در سال جاری به رقمی معادل ۵۴۷هزارمیلیاردتومان رسیده است که این رقم معادل ۴۴درده بودجه عمومی کشور است. این نسبت در سال ۹۰ که بی‌سابقه‌ترین برآمدهای نفتی کشور را شاهد بودیم (۱۱۳میلیارد دلار درآمد صادراتی نفت خام) معادل ۲۰درصد بودجه عمومی بوده است. وزیر نفت سابق دولت دهم، مسعود میرکاظمی که زمانی از مجربان هدفمندی بوده در گفت‌وگو با فارس عنوان می‌کند: حجم یارانه پرداختی از ۸۰هزارمیلیاردتومان قبل از هدفمندی به ۲۰۰هزارمیلیاردتومان رسیده‌است.

ادامه از صفحه اول

بهار استثنایی در راه است

از طرفی، از شهرپورماه گذشته نقدینگی شستاب بی‌سابقه‌ای گرفته است. از پاییز نقدینگی هر ماه به‌طور متوسط هفت تا هشت هزار میلیاردتومان افزایش یافته که آثار منفی آن از اسفند سال جاری تا خرداد آینده رخ می‌نماید. از این‌رو، بیره‌ا نیست بگوییم، بهار استثنایی در راه است. در چنین شرایطی تورم افزایش می‌یابد و به احتمال زیاد تورم در حوزه مواد غذایی یعنی خوراکی‌ها و آشامیدنی افزایش بیشتری را تجربه می‌کند. دومین نکته، این است که تمامی این اتفاقات اقتصادی با جوگیرگی مباحث سیاسی همراه می‌شوند. التهابات سیاسی از هم‌کنون آغاز شده و تا انتخابات پیش رو، شدت می‌گیرد. این التهابات در کنار تنش‌های اقتصادی هم‌دیگر را تشدید می‌کنند و در صورتی که چارهای برای رخدادهای اقتصادی اندیشیده نشود، احتمال خدشه به حوزه اجتماعی و سیاسی کشور هم افزایش می‌یابد. و نکته آخر؛ اینکه رییس‌جمهوری حرف خود را زد و مجلس قبول نکرد و مجلسیان هم حرف خود را گفتند و در مقابل دولت هم نپذیرفت. نحوه گفت‌وگو‌ها به گونه‌ای بود که تعامل و اعتداف قویه را بازتاب نمی‌داد. احمدی‌نژاد سه تا پنج بار نام ای‌وترایی‌فرد، نایب‌رییس مجلس را به زبان آورد. اما از علی لاریجانی (رییس مجلس) نملی نبرد. تداوم این وضعیت، در شرایطی که کشور برای عبور از گذرگاه‌ها، نیازمند همدلی قوا و سران قوا می‌باشد قابل تأمل است.

رقمی مغایر آمار نقدینگی

در عین حال به دلیل همان افزایش نقدینگی که در زندگی مردم اتفاق افتاد، شاهد واردات انواع کالاهای مصرفی به کشور بودیم. در ایران به دلیل آنکه تولید و صنعت اولویت اصلی را ندارد، ارز موجود تنها به مصارف غیر ضروری می‌رسد که اینن یک نکته منفی دیگر برای اقتصاد و عملکرد دولت است. در کنار این نکات منفی در اقتصاد، رییس‌جمهور از کاهش ضرب جینی که نشانه کاهش نابرابری است، سخن می‌گوید. این کاهش که در سال‌های ۸۹ و ۹۰ اتفاق افتاده، رخداد مبارکی است و نشان می‌دهد یک درآمد اضافه وارد جمعیت کشور شده که عامل اصلی‌اش همان پرداخت نقدی یارانه‌ها بوده است اما زمانی می‌توان از این عدد دفاع کرد که بتوان این کاهش نابرابری را حفظ کرد. تثبیت این رقم از طریق پرداخت یارانه‌ها توصیه نمی‌شود؛ بلکه نیاز به سرمایه‌گذاری، اشتغال‌زایی و رونق فعالیت‌های بخش خصوصی دارد. تحقق این شرایط نیازمند سیاست‌های اقتصاد است که در یک دوره کوتاه یک‌ساله امکان‌پذیر نیست و با توجه به شرایط موجود و سیاست‌هایی که در حوزه اقتصاد و سیاست اتخاذ می‌شود، بهبود وضعیت اقتصادی بسیار دورتر از چشم‌انداز است. با نگاهی به سال جاری که سال تولید و کار نامگذاری شده، درمی‌یابیم که اثری از آن در بخش تولید و اقتصاد نمایان نشده‌است.

تولید به محاق رفته

در ماه‌های اخیر که گرفتاری ارزی برای کشور ایجاد شده، دولت کمترین ارز را به کالاهای سرمایه‌ای تخصیص داده که لطمه بزرگی به تولید زده است. در چند ماهه اخیر کمترین تخصیص‌ها به بخش دارو تعلق گرفته و در مقابل آن کالاهای لوکس بسیاری وارد بازار کشور شده است. اما در این میان، دولت مدعی است از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی توانسته مصرف آن را کنترل کند و ارز کمتری برای واردات هزینه کند. دولت به ازای افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰ درصدی قیمت‌ها، موفق شد پنج درصد میزان مصرف انرژی را کاهش دهد که این هم رقمی قابل اعتنا و افتخاری برای کارنامه اقتصادی دولت نیست.

بریده‌اخبار

ایستا: رییس سازمان تنظیم مقررات در احکام جداگانه‌ای روح‌الله تصیری را به عنوان سرپرست معاونت توسعه مدیریت و امور پشتیبانی و هماپون علی حسینی را به عنوان سرپرست دفتر حقوقی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی منصوب کرد.

فارس: دیروز قیمت نفت با افزایش ۱۳ سنتی همراه شد. به گزارش واشنگتن پست، دیروز، قیمت نفت، پیش از انتشار آمار تولید صنعتی آمریکا طی دسامبر (۱۱ آذر تا ۱۱ دی)، با افزایش همراه شد. براساس این گزارش، قیمت نفت با ۱۳ سنت افزایش به ۹۳ دلار و ۱۰ سنت در هر بشکه رسید. این گزارش می‌افزاید بهای هر بشکه نفت خام برنت نیز با ۲۴ سنت افزایش به ۱۱۰ دلار و ۵۴ سنت رسید. ریک اسپونر، یک تحلیلگر ارشد بازارهای «سی‌ام‌سی» (شرکت مدیریت پول) در سیدنی گفت: تغییرات قیمت‌های نفت به دلیل آغاز بحث مالی داغ جدیدی در واشگتن با احتیاط همراه هستند.

فارس: با حکم وزیر اقتصاد، محمد پاریزی معاون امور بانک و بیمه این وزارت‌تخانه شد. سید شمس‌الدین حسینی طی حکمی «محمد پاریزی» را به سمت معاونت امور بانک و بیمه و نظارت بر اصل ۴۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی منصوب کرد. پیش از این احمد صادقی کمکناکی معاون توسعه مدیریت و منابع این وزارت‌تخانه با حفظ سمت سرپرستی معاونت بانک و بیمه را برعهده داشت. این گزارش حاکی است، پاریزی پیش از این سرپرست معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی بود.